

فصلنامه تاریخ اسلام
 سال سیزدهم، شماره سوم، پاییز
 1391، شماره مسلسل 51

تجارت یمن پیش از ظهور اسلام

تاریخ دریافت: 91/3/16

تاریخ تأیید: 91/6/28

دکتر اصغر محمودآبادی*

معصومه دهقان**

حکومت‌های عربستان جنوبی و اعراب جنوبی، فعالیت گسترده‌ای در زمینه بازرگانی داشتند. اهمیت تجارت در شبه جزیره عربستان تا آن اندازه بود که دولت‌های جنوب و شمال شبه جزیره را می‌توان از پیامدهای رونق تجارت شمرد. سرزمین یمن به دلیل بهره‌مندی از مواهب طبیعی فراوان، موقعیت ویژه جغرافیایی، سلطه بر شاهراه‌های تجاری، داشتن معادن غنی و محصولاتی خاص مانند بخور و نیز فراورده‌های زراعی زیاد از دیرباز در شمار کشورهای ثروتمند بود.

راه‌های خشک سرزمین‌های داخلی شبه جزیره با ساخت ایستگاه‌های تجاری به دست سلاطین یمن، به شاهراهی پر رونق و پر رفت و آمد تبدیل‌گریده بود. اما این برتری تجاری با طمع ورزی دولت‌های رقیب، رو به انحطاط و سقوط گذاشت و دوران طلایی تجارت اعراب رو به افول نهاد و در نتیجه اعراب، قرن پنجم

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

** دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان.

میلادی را در حالی به نیمه رساندند که نظاره‌گر کشتی‌های تجاری و قافله‌های متعدد دولت‌های بیگانه بودند و خود نقش فعالی در تجارت نداشتند. این مقاله می‌کوشد درباره تجارت یمن به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: موقعیت اقتصادی جنوب عربستان (یمن) چگونه بود؟ دولت‌های یمن چگونه شاهراه‌های تجاری جهان باستان را در اختیار خود داشتند؟ و علل و عوامل سقوط تجارت دریایی و خشکی یمن چه بود؟

واژه‌های کلیدی: یمن، تجارت، تجارت دریایی، دولت معین، دولت سبا، دولت جمیری.

پرسش‌ها

1. موقعیت اقتصادی جنوب عربستان (یمن) چگونه بود؟
2. دولت‌های یمن چگونه شاهراه‌های تجاری جهان باستان را در اختیار خود داشتند؟
3. علل و عوامل سقوط تجارت دریایی و خشکی یمن چه بود؟

فرضیه‌ها

1. سرزمین یمن که در منابع به نام عربستان خوش بخت نامیده می‌شود به علت وجود آب کافی و نزدیکی به سواحل دریای سرخ، محصولات فراوان کشاورزی تولید می‌کرد. وجود گیاهان خاصی که تنها در یمن می‌روید اعتبار خاصی به این منطقه می‌بخشید. انواع عطرها، بخورات، صمغ، لبان و مر یمن از محصولات مورد علاقه سرزمین‌های دیگر بودند. مواد معدنی مانند طلا، نقره و آهن در کوه‌های یمن فراوان بود. از نظر صنعتی نیز یمن، مرکز بافت پارچه‌های مخصوصی بود که خواهان زیادی در دیگر نقاط شبه جزیره عربستان، مصر و حتی نواحی دورتر داشت.
2. تفاوت چشمگیر جغرافیایی و طبیعی سرزمین یمن نسبت به دیگر نقاط شبه جزیره، منجر به ایجاد مدنیت شکوفایی در این سرزمین شده بود. از هزاره‌های قبل از میلاد،

دولت‌های قدرت‌مندی در این سرزمین شکل گرفتند و با توجه به موقعیت خاص ارتباطی توانستند تجارت عالی و پر رونقی ایجاد کنند.

اتصال به دریای سرخ، نزدیکی به دریای مدیترانه، اقیانوس هند و خلیج فارس یک شاهراه تجاری مهم را بر روی دولت‌های یمن گشوده بود. علاوه بر آن، تجارت خشکی که کالاهای وارد شده از هند و آفریقا به یمن را در مسیر یمن به شام دنبال می‌کرد تحت سیطره دولت‌های عربستان جنوبی بود.

3. مورخان علل و عوامل متعددی را برای سقوط تجارت دریایی و خشکی یمن بیان می‌کنند که مهم‌ترین آنها، حضور بطلمیوسیان مصر در دریای سرخ و حاکمیت آنها بر کانالی بود که نیل را به دریای سرخ و سپس دریای مدیترانه را به دریای سرخ متصل می‌کرد. عامل دیگر این سقوط، ورود دولت قدرت‌مند و استعمارگر روم در عرصه بین‌المللی بود که توانست هلال خصیب؛ یعنی سرزمین‌های شمال شبه جزیره را یکی پس از دیگری تحت نفوذ خود درآورد و پس از آن با چیرگی بر مصر قدرت دریایی یکه‌تاز در دریای سرخ، مدیترانه و اقیانوس هند گردد. از نظر داخلی، شکستن و خرابی سدهای مأرب که زراعت یمن را رو به انحطاط برد و یمن را در مقابل دولت‌های رقیب، آسیب‌پذیر کرد از عوامل دیگر سقوط تجارت یمن بود. در نهایت، حمله دولت اکسوم (حبشه) از آفریقا با حمایت روم، ضربه نهایی را در سال 525 میلادی بر تجارت سرزمین جنوب عربستان وارد کرد.

مقدمه

جنبه‌های گوناگون تاریخ عربستان جنوبی همواره مورد توجه محققان و مورخان بوده است اما شاید بتوان مهم‌ترین بخش تاریخ یمن را تجارت این سرزمین و ارتباطات تجاری دولت‌های روی کار آمده در این منطقه با سایر کشورها و دولت‌های آن روزگار دانست.

سرزمین یمن به عنوان عربستان خوش بخت با بهره‌برداری از بهترین زمین‌های شبه جزیره، بارندگی کافی و کوه‌هایی که بهترین و ارزش‌مندترین معادن را در خود پنهان

کرده بود این امکان را به دولت‌های یمن می‌داد که شاهراه‌های تجاری آن روز را تحت سلطه خود آورند و علاوه بر صدور کالاهای ارزشمند خود از این کانال‌های تجاری، نقش واسطه‌گری را میان جهان شرق و غرب به خوبی ایفا کنند.

موقعیت جغرافیایی و سرزمینی یمن که در کنار دریای سرخ، خلیج فارس، اقیانوس هند و دریای مدیترانه واقع شده بود، این سرزمین را بالقوه یک قدرت دریایی ساخته بود و تنها علاقه، توجه و حمایت دولت‌ها می‌توانست این قوه را به فعل آورد. از طرف دیگر، سیل کالاهای تجاری هند، آفریقای شرقی و آسیای شرقی به عربستان جنوبی، ساکنان این منطقه را به ورود در عرصه تجارت پرسودی که این کالاها را روانه سرزمین‌های متقاضی آن در غرب کند، علاقه‌مند می‌کرد.

راه تجاری خشکی نیز، بسیار ارزشمند بود از یمن تا شام با عبور از باریکه حجاز، راهی بود که همه قافله‌های تجاری با آن مأنوس بودند. دولت معین، سبأ و بعد از آن دولت‌های دیگر یمن برای امنیت و رونق این راه تجاری آگاهانه عمل کردند. آنها با ساخت واحه‌های کاروان‌پذیر و شهرهای تجاری، هرچه بیشتر این قافله‌ها را به عبور و مرور از این راه تشویق کرده و امنیت آنها و کالاهایشان را تأمین می‌کردند. در نتیجه این اقدامات در باریکه ساحلی دریای سرخ تا شام، شهرهای مهمی ساخته شدند که در سوره سبأ، آیه‌های 17 و 18 به آنها اشاره می‌شود.

این راه خشکی نتایج بسیار پربراری را در فرهنگ و تمدن شبه جزیره عربستان به جای گذاشت. شاید بتوان این قافله‌های تجاری را قافله‌های تمدنی نیز به حساب آورد که کار فرهنگی بزرگی را علاوه بر تجارت بر عهده داشتند و نقل و انتقال آیین‌ها، آداب و رسوم، اندیشه‌های مختلف و حتی پرستش‌بتهای گوناگون را انجام می‌دادند. اکتشاف بسیاری از آثار تمدنی و یمنی در یونان، مصر و شام، کشف سکه‌های یمنی که با تقلید از مصر و یونان ضرب شده و رواج اسامی معینی و سبایی در شمال عربستان گواه این مطلب است. این تجارت پرسود دریایی و زمینی مورد طمع دولت‌های بزرگ و کوچک آن روز قرار داشت و هر کدام از دولت‌ها تلاش می‌کردند یا شراکت در این تجارت پر سود را به دست

آورند و یا خود سلطه‌گر شاهراه‌های تجاری گردند و دست دولت‌های یمن را از درآمدهای سرشار آن کوتاه کنند. در گذر زمان، مشکلات و چالش‌هایی از طرف رقبای عربستان جنوی پدید آمد و سرانجام انحطاط دولت‌های یمن را رقم زد و توانست آنها را از این منابع اقتصادی محروم سازد.

دولت آشور، اولین دولت پیشتاز در این زمینه بود که برای برخورداری از سود تجاری در مسیر خشکی تلاش کرد. با توجه به نزدیکی به خلیج فارس و حضور و سلطه ایشان در شام، این تلاش می‌توانست همراه با موفقیت باشد اما مسافت طولانی، میدان عمل آشور را در جنوب عربستان بسیار ضعیف می‌کرد. بنابراین آشوریان با دولت‌های دست‌نشانده معینان در العلاء، مدین و شام ارتباط برقرار کردند و تلاش نمودند از طریق جنگ یا صلح بر آنها مسلط شوند. دولت آشور، دولت‌های شام را تحت سلطه خویش در آورد اما این اقدام به راه تجاری یمن به شام آسیب زیادی وارد نکرد و بعدها با سقوط این دولت و جای‌گزین شدن دولت ماد و هخامنشی، خطر ایران شکل گرفت. این امر نیز با توجه به بعد مسافت، ضربه جبران‌ناپذیری به تجارت یمن وارد نکرد.

با قدرت‌مند شدن دولت روم و تبدیل آن به دولتی استعمارگر، خطری جدی‌تر در سر راه تجارت دریایی و خشکی یمن ایجاد شد. در تلاشی که رومی‌ها در سال 24 ق.م در لشکرکشی به یمن انجام دادند به تسلط بر یمن و محصولات با ارزش آن، امید داشتند اما فرمانده این لشکر آلیوس گالوس با وجود تحمل سختی‌های فراوان در بیابان حجاز به گل نشست و نتوانست راه خود را تا یمن دنبال کند.

همچنین، وجود دولت بطلمیوسیان مصر و علاقه فراوان آنها به تجارت دریایی در دریای سرخ، خطری برای تجارت یمن بود. آنها با حفر کانال ارتباطی میان نیل و دریای سرخ، سلطه دریایی خود را قوت بخشیدند و تجارت یمن را از رونق انداختند اما جانشین بطالسه؛ یعنی رومی‌ها آمده بودند که قدرت و استیلاي خود را تا سقوط یمن حفظ کنند و دریاها را تحت سلطه استعماری خود گیرند.

فشارهای خارجی، دولت‌های یمن را ضعیف می‌کرد اما شکستن سد مأرب در سال 447 م، اقتصاد و زراعت یمن را به نابودی کشاند تا این که دولت اکسوم به بهانه‌های مختلف، حمله‌هایی را در سال 523 م و 525 م به یمن ترتیب داد و با شکست دولت حمیری دوم، تجارت یمن را برای همیشه به ویرانی کشاند.

محصولات یمن

شرایط طبیعی، عربستان را به دو بخش بزرگ تقسیم می‌کند که بیابان‌های وسیع، آن دو بخش را از هم جدا می‌نمایند و زندگانی در هریک با دیگری متفاوت است. در واقع منشأ اصلی پیدایش و زینت یمن، وجود آب کافی در این سرزمین و نزدیک بودن به سواحل دریای سرخ و اقیانوس هند است.

در تابستان، باران‌های فراوانی که به وسیله بادهای موسمی از شرق آفریقا به این سو کشانیده می‌شود در این سرزمین می‌بارد. در گذشته نیز این باران‌ها موجب رونق این سرزمین می‌شد و سدهای معروفی که تاکنون آثار آنها باقی مانده، آب‌های سطح زمین را مهار می‌کردند و برای رونق کشاورزی به کار می‌گرفتند. رونق کشاورزی در این سرزمین موجب استقرار مردم، تشکیل شهرها و پیدایی تمدن عالی شده بود. محصولات فراوان کشاورزی مانند ذرت، گندم، نی‌شکر و انگور¹ موجب سعادت‌مندی این سرزمین نسبت به سایر مناطق شبه جزیره می‌گردید.

گذشته از محصولات کشاورزی، سرزمین یمن دارای فرآورده‌های خاصی بود که فقط به آن اختصاص داشت یا اگر در سرزمین‌های دیگر از آن محصولات وجود داشت به کمیت و کیفیت یمنی آن نبود. عطر، دانه‌های خوشبو، ادویه و انواع بخورات در یمن به دست می‌آمد. به عنوان نمونه سقطری² نام جزیره‌ای در نزدیکی ساحل یمن و جنوب بندر عدن بود که مسافران سرزمین‌های آفریقایی از آن جا عبور می‌کردند و بیشتر مردمان آن، مسیحیان عرب بودند. آن چه آنها را به سکونت در این جزیره جذب می‌کرد ماده‌ای به نام صبر و دم الاخوین بود. این ماده، صمغ درختی بود که جز در این جزیره در جایی دیگر

نمی‌روید.

حتی ارسطاطاليس در نامه‌ای که به اسکندر در هنگام ورود او به شام فرستاد، توصیه کرد که عده‌ای از یونانیان را برای به دست آوردن صبر القاطر که برای داروی مسهل استفاده می‌شود در این جزیره سکونت دهد. هنگامی که اسکندر به این جزیره رسید تعدادی از یونانیان شهر اسپاگرا (شهر ارسطاطاليس) را با کشتی‌هایی که در دریای قلم روانه کرد در این جزیره سکنا داد. ماده صبر در سقطری به دست می‌آمد که سرزمینی میان عدن و آفریقا است و این‌جا جزیره بربرهاست. این ماده به نام صبر سقطری معروف بود و در عطاری‌ها استفاده می‌شد و استفاده دارویی داشت.³

در زمان استیلای روم بر مصر و دریای سرخ، تعداد زیادی از رومیان در این جزیره ساکن شدند و بر قبایل بربر، یونانیانی که از دوره اسکندر در این مکان زندگی می‌کردند و اعراب نصرانی پیروز شدند. آن‌ها در این جزیره عنبر، دم الاخوین و صبر فراوان به دست می‌آوردند و به روم صادر می‌کردند. رومیان تا دوره اسلامی هنوز در این جزیره به استخراج این مواد مشغول بودند و تجارت این کالاها در دست آنها بود.⁴

عنبر و صمغ دم الاخوین را می‌توان از منابع درآمد اصلی یمن در عصر جاهلی به شمار آورد. بیشتر این محصول در سواحل عدن و مناطق مجاور آن به عمل می‌آمد.⁵ مقدسی در این باره می‌نویسد:

مقدار عنبر دریای حبش⁶ کم بود و بخش زیاد آن در ساحل شحر⁷ به دست

می‌آمد. این نوع عنبر گرد، کبود رنگ، و کمیاب بود و به اندازه بیضه شتر مرغ

یا کوچک‌تر از آن بود. بعضی از ساکنان شحر، آن را از شکم ماهی‌ها استخراج

می‌کردند.⁸

منابع بیان می‌کنند چهار چیز، مخصوص یمن است که در هیچ‌جا وجود ندارد: ورس، کندر، خطر و عقیق.⁹ ورس (نوعی گیاه که در کوه «مذیخره» می‌روید، سرخ رنگ و شبیه زعفران است و در رنگ‌رزی به کار می‌رود)، کندر (نوعی بخور)، خطر (نوعی گیاه که برای خضاب استفاده می‌شود) و عصب (قماش).¹⁰

اراضی ساحلی حضرموت که در دوران قدیم شامل مهره و شحر بود به نام سرزمین بخور و کندر شهرت داشته است و ظفار که در گذشته، نام یکی از شهرهای یمن بود و اکنون یک ولایت ساحلی است، مهم‌ترین مرکز داد و ستد انواع بخور بوده است.¹¹ محصولات یمن در مصر زمان فراعنه بازار پر رونقی داشت. مصریان چوب درخت بان در یمن و سومالی را به همراه بخور در معابد خود به کار می‌بردند و هم‌چنین از آنها برای حنوط جسد مردگان استفاده می‌کردند.¹²

بخور در معابد، آیین‌های مذهبی، مومیایی کردن و در انواع غذاها استفاده می‌شد. بانوان نیز، انواع عطرها یمنی را مورد استفاده قرار می‌دادند. برای پی بردن به میزان اهمیت محصولات یمن می‌توان این نکته را بیان داشت که «در معبد آمون مصر در یک سال، دو هزار و صد و پنجاه و نه کوزه عطر مصرف می‌گردید و کلدانیان نیز هر سال، مقدار ده هزار تالنت از آن را در معبد بعل دود می‌کردند و اسکندر پانصد تالنت عطر را برای استاد خود، ارسطو فرستاد. یمن و حضرموت در آن زمان ادویه و عطرها جهان را تولید می‌کردند.¹³

گروه زیادی از نویسندگان یونان و روم، به ثروت‌های یمن اشاره کرده‌اند. هرودوت آن سرزمین را به سبب تولید عطرها خوش‌بو و به این علت که آن‌جا تنها سرزمینی است که انواع بخور، مر، فلوس، دارچین و لادن را تولید می‌کند مورد ستایش قرار می‌دهد. هرودوت می‌پنداشت از همه عربستان بوی عطر می‌آید و درختان بخور را ماران کوچک رنگارنگ بال‌دار نگهداری می‌کنند و به هر درختی، ماران بی‌شمار آویخته است.¹⁴

نویسندگان قدیم از اراتستن یونانی (وفات حدود 196 ق. م) که مأخذ مطالب استرابون و پلینی رومی است، نقل می‌کنند که عربستان، سرزمین ثروت‌های خرافی و رفاه به شمار می‌رود و به نظر ایشان، لادن و دیگر ادویه معطر از عربستان به دست می‌آید.¹⁵ هم‌چنین دیودور سیسیلی، آرای هرودوت و استرابون را دارد و عربستان را سرزمین ادویه معطر می‌شمارد و خاک آن را خوش‌بو می‌داند. پلینی نیز، سبائیان را به واسطه کندر و بخور، معروف‌ترین قبایل عرب می‌شناسد.¹⁶

تئوفراستوس، شاگرد ارسطو در کتاب تاریخ گیاهان خود از عطرهاى معروف سرزمین- های عربى سخن مى گوید و از درختان صبر و بخور نام مى برد و روش های مشهور زراعت آنها را یادآور مى شود و مى نویسد:

شکاف هایی در بوته ها ایجاد مى شود که از آن صمغ دوانى مى چکد و همانند مروارید است و آن گاه هرکس به شیوه مخصوص، سهم خود را از صبر و بخور جمع مى کند و آن را به مردانى مى سپارد تا به حراست و نگهداری از آن بپردازند.¹⁷

همچنین بلینوس بیان مى کند که سرزمین یمن، سرزمین ثروت و آسایش عجیبی است. آن جا سرزمین لبان و عطرهاى دیگری است.¹⁸

صنعت یمن

سرزمین یمن به داشتن صنعت پوست و چرم و رنگ آمیزی آنها شهرت داشت. اشتغال به این کار به طور عمده در صنعا، نجران، جرش، سعد¹⁹ و زبید صورت مى گرفت. صنعت منسوجات از مهم ترین صنایع یمن بود و مشهورترین پارچه های یمن، برد یمانی و پارچه سعیدیه بود که در صنعا و عدن بافته مى شد.

بافت پارچه های نازک شروب که به مراتب از کتان نازک تر و مرغوب تر است در عدن انجام مى گرفت. شروب یا شرب پارچه نازکی است که از کتان بافته مى شد و در پود آن رشته های طلا به کار مى رفت. شروب عدن بر نی شکر ترجیح داشت.²⁰ تافتن ریسمان که لیف نامیده مى شد مخصوص مهجره بود و پارچه های راه راه (برود) به طور خاص در سحولا و جریب بافته مى شدند. معروف ترین محل های تولید شروب، دبیق و شطا بعد از یمن در مصر بود. «چرم زبید و نیل (داروی گیاهی که عصاره آن در رنگرزی به کار مى رود) آن شهر، رنگ بی مانندی داشت و گویی لاجورد بود.²¹

شروب عدن که از کتان مرغوب‌تر بود و مسند مهجره که لیف نامیده می‌شد، پارچه کتانی سحولا و جریب، فرش‌های صعده، سعیدی‌ها²² و عقیق صنعا، سفره چرمی، جام و کوزه صعده، قفاع (زنبیل)، عثر و جام‌های حلی، کندر و ماهی مهره، سرو کوهی (ورس) عدن، صبر سقطر و نی شکر عمان نیز از محصولات قابل ذکر هستند.²³

در عصر سبائیان، بازارهایی برپا می‌گردید که کالاهای آنها، پارچه‌های ارغوانی نازک یا ضخیم بود و در آنها لباس‌های آستین‌دار حاشیه‌دار و طلادوزی شده، پارچه‌های نازک موسلین، عبا، جاجیم و دستمال‌های رنگارنگ مبادله می‌گردید.

معادن

در سرزمین یمن، معادن فراوان طلا، نقره، نحاس، رصاص و سنگ‌های قیمتی مانند عقیق، جزع، یاقوت، باور، زمرد، زبرجد و جواهر وجود دارد.²⁴

در گذشته، یمن و حضرموت به علت داشتن معادن طلا معروف بودند.²⁵ تئودورسیسیلی بیان می‌کند که طلای معادن سرزمین‌های عرب، خالص و ناب است و نیازی به گداختن آن نیست.²⁶ در شهرهای سبأ نیز، معدن طلا وجود داشته است.²⁷

درباره فراوانی طلای یمن، سخنی روشن‌تر و گویاتر از آنچه سیف بن ذی یزن در هنگام نثار درهم به خدمه قصر کسرا، خطاب به او گفته است، نمی‌توان یافت. او به ایشان می‌گوید:

مال و ثروت به چه کار من می‌آید، در حالی که خاک زمین من، طلا و نقره

است.²⁸

معادن عشم و ضنکان از روستاهای تهامه یمن، دو معدن بزرگ طلا هستند. ابن رسته نیز به وجود طلا در مأرب اشاره می‌کند.²⁹ هم‌چنین سنگ‌های قیمتی در یمن فراوان بود. عقیق از کوه شبام،³⁰ مخلاف‌های صنعا و کوهی به نام قساس در معدن مقری و الهام استخراج می‌شد و مقداری از آن در یمن به کار می‌رفت و مقداری دیگر به بصره حمل می‌گردید.³¹

یکی دیگر از سنگ‌های یمن، جزع است که شبیه به عقیق است و در واقع، یکی از انواع عقیق به شمار می‌رود که دارای انواع مختلفی مانند بقرانی، عروانی، فارسی، حبشی، معسل و معرق است و بهترین نوع آن بقرانی است.³² جزع معرق بزرگ‌تر از انواع دیگر جزع بود و در ساختن ظروف بزرگ از آن استفاده می‌شد.³³

از دیگر معادن یمن می‌توان از سرب، نقره، و آهن نام برد. معادن سرب اغلب در میان مناطق فهم و خولان قرار داشت و آهن در عدن و اراضی که میان صعده و حجاز امتداد یافته است به دست می‌آمد. هم‌چنین، نجران کوهی بود که از آن آهن استخراج می‌شد. در نغم و غمدان نیز معادن آهن وجود داشت.³⁴ ورضراض به داشتن معدن نقره شهرت داشت.³⁵ از آهن معادن یمن برای ساخت شمشیر استفاده می‌شد و تیغ یمانی بسیار معروف بود.³⁶

هم‌چنین، صید مروارید در خلیج عدن صورت می‌گرفت و بندر عدن به سبب مروارید فراوان آن معروف بود.³⁷ جز عدن در عمان، قطر و هجر به صید مروارید می‌پرداختند.³⁸ در عین آن که عربستان جنوبی به سبب بخور و ادویه معطر مشهور بود از لحاظ ثروت معدنی، به خصوص طلا که در طول ساحل غربی شبه جزیره از مدین تا یمن به دست می‌آمد، اعتبار داشت. دیودور در این باره می‌نویسد:

*در معادن عربستان طلا خالص است و نیاز به گداختن ندارد.*³⁹

اعراب جنوب از طلا، نقره و فلزهای گران‌بها استفاده‌های فراوانی می‌کردند و برای تزئین دیوارهای منازلشان از عاج، طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی استفاده می‌کردند.⁴⁰

راه‌های تجاری در سرزمین‌های عرب

قافله‌های تجاری بین یمن، فینیقیه و مصر راه‌های خاصی داشتند که از حضرموت یا عمان عبور می‌کردند و عرب به سوی شمال می‌رفت. در این مسیر، بادیه دهننا طی می‌شد و به دادان (دیدن=العلاء) می‌رسید و از غرب نیز به نجد منتهی می‌شد. این راه به حجاز می‌رسید و از حجاز به مدین، ادومیون و انباط وصل می‌شد و بواسطه آن به مکه یا یمنع

یا مدینه و از آن از طریق مدائن صالح به پترا و از پترا یا شمال به فینیقیه و فلسطین و سپس تدمر و از غرب به مصر و یا عراق می‌رسید.

رأس این راه تجاری، جزیره یا راه دریایی خلیج فارس بود و از آن قافله‌ها به سوی تدمر و سپس بابل در حرکت بودند به این منوال بابل - که انبار تجاری سواحل خلیج محسوب می‌شد، مانند قریه قطیف در ساحل مدیترانه که برای فینیقی‌ها انبار کالاهای تجاری بود - و تجار بابلی در انتقال این کالاها به سرزمین‌های دیگر نقش داشتند. بلینوس، بطلمیوس و دیگران درباره راه‌های تجاری سرزمین‌های عرب، تعیین مسافت‌ها و محل‌های آن سخن گفته‌اند.⁴¹ قافله‌های سبائی در کشتی با سختی‌ها و خطرات تعدی راهزنان و در خشکی با حمله بدویان مواجه بودند. قافله‌های تجاری و زائران کعبه نیز با خطر حمله بدویان در راه‌های خشکی رو به رو بودند. طول مدت سفر و وجود خطر حمله بدویان باعث ترجیح سفر دریایی برای سبائیان و دیگر دولت‌های عربستان جنوبی می‌گردید.⁴²

تجارت دریایی

با توسعه یمن، این سرزمین در بین امت‌های جهان قدیم، واسطه تجاری گردید. از دورترین زمان‌های تاریخی، بین آنها و هند، وابستگی‌های تجاری بود که ابتدای آن شناخته شده نیست. هندی‌ها محصولات و مصنوعات داشتند که مصری‌ها، آشوری‌ها و فینیقی‌ها به آن نیاز داشتند و یمنی‌ها این کالاهای تجاری را در کشتی‌های دریایی یا قافله‌های بیابانی به سایر سرزمین‌ها منتقل می‌کردند. کالاهای تجاری از طریق کشتی - هایی از هند یا فرات یا نیل مبادله می‌شد. امروزه نیز کشتی‌های عدن در سفر بین اروپا و هند، این راه دریایی را طی می‌کنند. جزیره سقطری بر سر راه کشتی‌هایی تجاری بود که از عدن حرکت می‌کردند.⁴³ از مراکز تجارت دریایی مشهور یمن در آن زمان عدن، قانایا (حصن غراب)، ظفار، مسقط و یغلب در مسقط بودند که از آنها، کشتی‌های ساخت بندر صاعده در خلیج فارس به بابل می‌رفتند.⁴⁴

هندی‌ها و آفریقایی‌ها، کالاهای تجاری خود را به یمن می‌بردند. یمنی‌ها نیز این کالاها را به مصر، شام و عراق حمل می‌کردند.⁴⁵ برای تجارت با مصر هم راه خشکی و از طریق بیابان وجود داشت و هم راه دریایی که از شام و یا از بنادر یمن آغاز می‌شد. به خاطر فرار از خطرهای موجود در دریای سرخ یا خلیج فارس و اقیانوس هند، گاهی اوقات راه بیابان ترجیح داده می‌شد. اقیانوس هند واسطه تجاری میان بسیاری از مردمان سرزمین‌های اطراف آن بود و از گذشته، فینیقی‌ها در دریای مدیترانه واسطه تجاری کالاهایی بودند که از اقیانوس هند به سوی سرزمینشان روانه می‌شد. کالاهای تجاری هند و سرزمین‌های اطراف آن از طریق قافله‌ها به صور، غزه و سواحل دریای مدیترانه می‌رسید و از طریق بازرگانان دریایی فینیقیه به سواحل آن سوی دریای مدیترانه فرستاده می‌شد. به این تجارت دریایی سنتی در کتاب *حزقیال* اشاره شده است.⁴⁶

کالاهایی که تجار از هند و آفریقا به سبأ می‌آوردند با کالاهای قافله‌هایی که به پترا و غزه می‌رفتند، مبادله می‌شد. انتقال کالا به وسیله کشتی از طریق دریای احمر به خلیج عقبه و از آن‌جا از راه بیابان به سوی شام یا فلسطین یا مصر انجام می‌شد. کشتی‌هایی که در قصیر در ساحل دریای سرخ ساخته می‌شدند، کالاها را به سوی قفط در ساحل نیل حمل می‌کردند. مصری‌ها از این راه دریای از دوره رع‌مسیس سوم (هاکون) استفاده می‌کردند.⁴⁷

منابع از بنادر مصریان سرزمین‌های عرب در دوره رع‌مسیس که برای رسیدن به سرزمین‌های بنت (حبشه و سومالی) و سرزمین مقدس (سرزمین عرب جنوب) و تسهیل در تجارت دریایی میان مصر و نقاط دوردست شرق ساخته شده بودند، سخن می‌گویند. مصریان راه تجاری بریا (ریا) میان قصیر و قفط را تأسیس کردند و راه دریایی بین اقیانوس هند و نیل را از طریق سرزمین عرب گشودند.

هنگامی که سیتی اول از خانواده دوازدهم، حاکم مصر شد، کانالی میان نیل و دریای سرخ حفر کرد. این کار برای تسهیل مبادلات تجاری میان مصر و جزیره العرب و یا دفاع و یا هجوم در مواقع نیاز انجام شد.⁴⁸

از آن زمان، کشتی رانی تجاری در ساحل فینیقیه، بحرین، دریای مدیترانه و دریای سرخ تا نقاط دوردست انجام می‌شد و همه این راه‌های دریایی از سواحل مصر می‌گذشت.

به سبب سستی جانشینان سیتی اول، کانال میان نیل و دریای سرخ لای روبی نگردید و این راه آبی بسته شد. از آن زمان، کشتی سازی و تجارت دریای مصر رو به انحطاط گذاشت. منابع بیان می‌کنند که سقوط تجارت دریایی مصر بر صور و در نهایت بر فینیقی-ها تأثیر مخربی گذاشت. دریای سرخ نیازمند دولتی قدرتمند بود تا دوباره کشتی‌ها را در آن روانه کند. سلیمان نبی، حاکم اورشلیم و حیرام، حاکم مور متحد شدند و کشتی‌هایی ساختند.⁴⁹ همکاری این دو حاکم، دلایل خاصی داشت مانند قرار دادن لنگرگاه‌های کشتی در عقبه، فرستادن کشتی‌های تجاری به سرزمین یمن، بهره‌مندی از کالاهای هند و آفریقا از طریق کشتی‌رانی تجاری و دستیابی به کالاهای قیمتی که معادن اصلی آن سرزمین یمن بود.

تعاون و همکاری در کشتی رانی و تجارت دریایی با مرگ سلیمان پایان یافت. کشتی‌سازی متوقف گردید و قافله‌ها بازگشتند و معینان، سبائیان، جبائون، قتبانیان و قریون به کشتی سازی و تجارت دریایی مشغول شدند و تا زمانی که رومیان به دریاها وارد شده و تجارت اعراب رو به ضعف نهاد، جانشین اورشلیم و سایر دولت‌ها گردیدند.⁵⁰

راه دریایی جنوب عربستان به سوی هند تا قرن اول میلادی در دست عرب‌های جنوب بود که محصولات آفریقای شرقی و هندوستان را به وسیله شتر از مآرب به سوی شمال می‌بردند و در این راه از مکه عبور کرده به سوی شام یا مصر می‌رفتند و این‌گونه از خطر دریانوردی دریای سرخ آسوده بودند. با این حال، حمل و نقل از راه دریا مناسب‌تر بود. کالاهای بازرگانی را در طول دریای سرخ تا کانالی که دریا را با نیل شرقی ارتباط می‌داد می‌بردند و یا از قسمت جنوبی دریا به وادی الحمامات می‌رساندند و از آن‌جا از راه صحرای مصر به تب یا ممفیس حمل می‌کردند.⁵¹

اهالی یمن، مردمی تجارت پیشه و کشاورز بودند که از راه تجارت و زراعت امرار

معاش می‌کردند و از زمان‌های دور با اهالی مصر، ایرانیان و هندی‌ها روابط تجاری داشتند.⁵² دو راه بزرگ و مهم تجاری در عربستان وجود داشت که می‌توان مبدأ هر دوی این راه‌ها را هندوستان دانست و مقصد آن‌ها را شام تصور کرد که در طول این مسیر، کالاهای یمن از امتیاز ویژه‌ای برخوردار بود. یکی از این راه‌ها از حضرموت، بحرین و خلیج فارس می‌گذشت و به صور منتهی می‌شد. راه دیگر از حضرموت، نزدیک ساحل دریای احمر می‌گذشت که دور از صحرا و نجد بود و در پستی و بلندی‌های ساحل دریا، شهرهای کاروان‌پذیر بر سر راه آن قرار داشت و مکه نیز، در این مسیر قرار داشت.⁵³ این راه تجاری به بصره یا سرزمین‌های ساحلی شام می‌رسید.

علاوه بر کالاهایی که در مناطق مختلف یمن تولید می‌شد یمن نقش چهار راهی تجاری را در آن روزگار بازی می‌کرد و واسطه تجاری میان ملل مشرق زمین و کشورهای آن سوی دریای سرخ و مدیترانه بود. ادویه معطر، حیوان‌های کمیاب مانند طاووس و بوزینه و هم‌چنین طلا از هندوستان از مسیر دریا به عمان در جنوب شرقی و شرق شبه جزیره عربستان حمل می‌شد و از جاده ادویه به الاحساء، بابل، تدمر، فلسطین و صور (پایتخت فینیقیان) می‌رسید و یا از عمان از راه خشکی به حضرموت و سواحل جنوبی یمن و از این نقاط از راه مغرب و شمال غربی عربستان تا بندر ایله (عقبه)، فلسطین، فینیقیه، بابل، آسیای صغیر و شاید به ممالک آسیای صغیر و از آن‌جا به جزایر یونان می‌رسید.⁵⁴

تجارت یمن به سبب موقعیت طبیعی و وجود محصولات خاص که بسیار مورد توجه مردمان دیگر مناطق بود گسترش یافت. هم‌چنین ورود تولیدات سرزمین‌های دیگر، مانند هند و چین که با یمن وابستگی‌های تجاری خاص داشتند سبب رونق تجارت یمن می‌گردید. سواحل آفریقا و حبشه که زمانی به عنوان مستعمره‌های دولت‌های قدرت‌مند یمن محسوب می‌شدند کالاهای سرزمین خود را به یمن می‌آوردند. کالاهای هندی نیز که به سواحل آفریقا می‌رسید از طریق مستعمره‌های یمن، وارد این سرزمین شده و از آن‌جا، راهی مناطق غربی می‌گردید. مصری‌ها، آشوری‌ها و فینیقی‌ها به عنوان دولت‌هایی که در

اطراف راه تجاری خشکی و دریایی تحت سیطره یمن زندگی می‌کردند از این تجارت نفع می‌بردند. مصری‌های قدیم به سرزمین یمن «الارض المقدسة» می‌گفتند. دلیل این امر، عطرها و بخورهایی بود که از این سرزمین می‌آمد و برای تقدیم به الهه‌های مصری، استفاده در معابد و در مراسم‌های مذهبی به کار برده می‌شد.⁵⁵

نشاط دریایی و آمد و شد کشتی‌های تجاری یمن و دیگر دولت‌هایی که علاقه‌مند به کالاهای عربستان جنوبی بودند و یا کالاهای تجاری خود را به یمنی‌ها می‌سپردند بر بقا و دوام تجارت هند با یمنی‌ها می‌افزود. تجارت هند با یمن برای یمنی‌ها منفعت زیادی داشت.⁵⁶ این فرض معتبر است که قنطره، محل اتصال یمن با سایر مناطق، محل ارتباط تجاری میان هند و عدن بود.

بعضی از مستشرقان از وجود نوشته‌های اعراب جنوب به خط مسند در جزیره دیلوس، یکی از جزایر یونان، سخن گفته‌اند. این سنگ نوشته‌ها به قرن دوم قبل از میلاد باز می‌گردد. این امر، روابط تجاری و وجود علایق تجاری میان جزیره دیلوس و معین را نشان می‌دهد. آثاری از این خط در مصر و سودان نیز، وجود دارد و نشان می‌دهد که خط مسندی که در یمن رواج فراوان داشته در مناطق دیگر نیز به کار برده می‌شده است. وجود دست نوشته‌های مسندی در سودان و مصر نشان دهنده وجود علایق استعماری دولت معینی در این مناطق است.⁵⁷

می‌توان بیان داشت که دروازه تجاری جهان قدیم بر درگاه عدن و عمان می‌چرخید. مقدسی که سال‌ها بعد از اقتدار یمن از این منطقه دیدن کرده است در اهمیت بازرگانی این دو منطقه بیان می‌کند:

بازار منا، دریای متصل به چین، جده، جار، انبارهای مصر، وادی القرا، شام، عراق، یمن (مرکز خرید و فروش) سریند، عقیق، پوست برده است. وسایل داروگران، عطرها، مشک، زعفران، بکم، ساج، ساسم، عاج، لؤلؤ، دیبا، مهره یاقوت، آبنوس، نارگیل، قند، اسکندروس، صبر، آهن، سرب، خیزران، سفال،

صندل، بلور، فلفل و کندر و جز آنها همه به عمان آورده [و به عراق و مشرق

برده] می‌شوند.⁵⁸

هم‌چنین عربستان و عرب نزد یونانیان و رومی‌ها معروف بوده است؛ زیرا عربستان در راه هندوستان و چین بوده و محصول آن در بازارهای اروپا خریدار بسیار داشته است و عرب‌ها مانند خویشاوندان قدیم شمالیشان؛ یعنی فنیقیان، معامله‌گران دریای جنوب به شمار می‌رفتند.⁵⁹

دولت معین

معین، قدیمی‌ترین دولت متمدن عربستان بود و پیش از قرن هشتم پیش از میلاد و شاید قبل از آن، تمدن و دولت مهمی را تأسیس کرده بود.⁶⁰ بعضی از منابع، شکل‌گیری قدرت معین را از 1300 ق.م تا 600 ق.م می‌دانند.⁶¹ این دولت در قسمت شرقی یمن و در جوف، میان نجران و حضرموت تشکیل شد⁶² و در شمال غربی، صنعا، پایتخت امروزی یمن به وجود آمد. پایتخت این دولت قرنا او (قرنه= سودا) و یثیل (براقش) بود.⁶³ آثار اندک به جای مانده از دولت معینی، هرگونه قضاوت را درباره آغاز قدرت‌گیری و نحوه حکومت آنها دشوار می‌سازد اما پژوهش‌گران به این نتیجه رسیده‌اند که پنج خانواده معینی بر دولت معین حکومت می‌کردند. هریک از خانواده‌ها دارای تعدادی از پادشاهان پی در پی بودند اما هیچ‌گونه ارتباطی میان هریک از این خانواده‌ها با دیگر خانواده‌های بعدی حاکم وجود نداشت.⁶⁴

پژوهش‌گران عقیده دارند نخستین گروه از این خانواده‌ها در حدود سال 1110 پیش از میلاد، حکومت خود را آغاز کرد. در آن هنگام، شرایط بین‌المللی برای آنان مساعد بود. به طوری که پادشاهان سلسه بیست و یکم حاکم بر مصر، چنان گرفتار ضعف بودند که قادر به دخالت در امور جزیره العرب نبودند. در عراق نیز، پادشاهان بابل رو به ضعف نهاده و در آشور کشمکش بر سر قدرت و درگیری تیگلات پیلسر در شمال عراق منجر به عدم

توجه به قدرت‌گیری دولت معینی می‌گردید.

از این‌رو، شرایط برای استحکام دولت معین و رشد بازرگانی آن فراهم گردید.⁶⁵ مدت زمانی طولانی، بازرگانی شرق در اختیار آنها قرار گرفت و کاروان‌های صبور عرب، کالاها را از راه‌های ناامن خشکی به بابل و فینیقیه حمل می‌کردند.⁶⁶ معینیان به تجارت و بازرگانی پرداختند و بر راه‌های تجاری میان شمال و جنوب مسلط شدند. در منطقه معان، العلا (دیدن)، حجر و مدین آثاری از سلطه تجاری معینیان یافت می‌شود، براساس کتیبه‌های معینی که به زبان مسندی در این مناطق کشف شده است، معینیان این مرکز را برای حفاظت از قافله‌های تجاری خویش ایجاد کرده بودند. گمان می‌رود که دولت معین، بعضی عشایر خود را به عنوان ساخلو در آن‌جا اسکان داده بود.⁶⁷

در واقع حضور تجاری در راه یمن به شام در امتداد دریای سرخ، منجر به سلطه سیاسی این دولت بر این مسیر گردیده بود و می‌توان دو منطقه معان و العلا را مستعمره‌های دولت معین به حساب آورد که وظیفه پشتیبانی نظامی از کاروان‌ها و کالاها را تجاری را داشتند که از یمن عازم شام بود و یا از شام به سمت یمن فرستاده می‌شد. این پشتیبانی سیاسی - نظامی دو جانبه بود و دولت مرکزی معین بر این کوچ نشین‌ها نظارت کامل داشت و تا زمانی که قدرت دولت مرکزی تزلزل نیافته بود، سیطره کامل بر تمام کوچ نشین‌های مسیر شام برقرار بود.

گسترش نفوذ معینیان در شمال به تماس و ارتباط آنان با آشور، بابل، فینیقیه و مصر منجر گردید. فرمانروایان آشوری در سوریه برای منفعت بردن از راه تجاری اصلی، با معینیان که در این آبادی‌ها اقامت داشتند شریک می‌شدند.⁶⁸ این مستعمره‌های تجاری، سیاسی و نظامی به تدریج تحت تأثیر خصوصیت‌های عرب شمالی قرار گرفتند و اولین گروه‌هایی بودند که فرهنگ و تمدن جنوب را برای سرزمین‌های شمال شبه جزیره به ارمغان بردند.⁶⁹

این مسئله را می‌توان به صورت بالعکس نیز در نظر آورد و آن این‌که بسیاری از مظاهر تمدن‌های بین‌النهرین، آشور، شام و حتی مصر از طریق این ساخلو نشین‌ها در

منطقه حجاز و در نهایت یمن انتشار یافت.

در واقع حمل بخور، مر و دیگر کالاهایی که در مناطق مختلف یمن تولید می‌شد از طریق این شاهراه تجاری کناره دریای سرخ، بن مایه اصلی تمدن و ثروت ممالک جنوب غربی عربستان یا همان عربستان خوش بخت محسوب می‌شد. از طرف دیگر ایجاد مراکز مدنی و دولت شهرهای کوچکی که در این مسیر، واسطه تجارت بودند، حرکت کاروان-های تجاری را تسهیل می‌کردند و وظیفه حفظ امنیت سرمایه‌های قافله‌ها را بر عهده داشتند منجر به آبادانی این مسیر تجاری می‌گردید. لخمیان، نبطی‌ها، تدمریان و نواحی آباد تمیاء، مدین، حجر، بنادر ایله و در نهایت محل خروج دریایی محصولات؛ یعنی شهر غزه، بصری و معان نقش تجاری مهمی را در این شاهراه تجاری بر عهده داشتند و منجر به شکل‌گیری یک خط تجاری امن برای کالاهای دیگر دولت‌ها شده بودند.

دولت معین که مرکز عمده تجارت بخورات بود و در واقع، مبدأ این شاهراه تجاری محسوب می‌شد نفوذ زیادی در این واحدها یافته بود و حتی مراکز مستعمراتی ساخولونشین‌هایی تأسیس کرده بود. این سلطه، تا زمانی که مسیر تجارت دریایی در دریای سرخ گشوده نشده بود در اختیار دولت معین و جانشینانش در یمن بود. اسامی منازل مختلف این راه کاروان رو در کتاب‌های جغرافیایی عربی ثبت شده است که معروف‌ترین آن‌ها مکه، یثرب، فدک، خیبر، العلاء، تیما، تبوک، مدین، پترا و در نهایت غزه بود. غزه آن-چنان در تجارت شبه جزیره اهمیت داشت که می‌توان آن را شاه‌رگ ممالک جنوبی عربستان دانست. در این شهر بیست و چهار یا چهل و چهار نوع سکه ضرب می‌شد که از آن‌جا در داخل شبه جزیره منتشر می‌گردید.⁷⁰

دولت سبأ

پیش از قرن هفتم قبل از میلاد، سبائیان بر معینیان غلبه کردند و سلطه خود را بر همه جنوب گسترش دادند. قوم سبأ از نژاد سامی و از اعراب قحطانی ساکن جنوب جزیره العرب بودند.⁷¹ آنها حتی بر مستعمره‌های شمالی معینیان مسلط شدند و امور کاروان‌های تجاری را در دست گرفتند.⁷²

مرکز حکومت سبائیان، سرواح در مغرب مأرب بود. در فاصله سال‌های 610-115 ق. م، شهر مأرب، پایتخت دولت مقتدر عربستان جنوبی گردید⁷³ و ساخلونشین‌ها باید مطاع اوامر سلطان مأرب می‌شدند. منابع ساخت سرواح یا سرواح را به سلیمان نبی نسبت می‌دهند و این اقدام را پس از ازدواج با ملکه سبأ؛ یعنی بلقیس می‌دانند.⁷⁴

حاکم سبأ پس از آن که موقعیت داخلی خود را مستحکم کرد برای اطمینان از وفاداری واحدهای تجاری مسیر یمن به شام، حاکمانی را به این مناطق گسیل داشت و سپاهیانی را در اختیار آنها قرار داد تا هم بقای این مراکز و منازل تجاری را زیر نفوذ سبائیان تضمین کنند و هم امنیت حرکت قافله‌ها و کالاهای تجاری در طول مسیر فراهم گردد. در واقع می‌توان آبادی العلا را محور اصلی گسترش نفوذ سبأ به شمال سرزمین عرب دانست.⁷⁵ یک لوح که از نظر مورخان مربوط به سال 2300 ق. م است - البته در تاریخ آن، شک و تردید فراوانی است - نام کشوری عربی به نام سبأ را که در یمن قدرت گرفته بود، ثبت کرده است. مورخان معتقدند این دولت سبأ، کشور عربستان جنوبی و یا مستعمره‌های آن در قسمت شمالی عربستان است. منابع معتقدند که در حدود 950 ق. م ملکه سبأ نزد سلیمان رفته است.⁷⁶ این مسئله هم می‌تواند قدرت سبأ تا شمال جزیره العرب را آشکار کند. بیشتر منابع اتفاق نظر دارند که علت قدرت‌گیری دولت سبأ، اقدام‌های گسترده آنها در سد سازی و کشاورزی بوده است که قدرت بالقوه پیشرفت را ابتدا در داخل برای آنها به ارمغان آورد و سپس راه آنها را در اقتدار تجاری هموار ساخت. سرزمین سبأ، سرزمین کندر و مر بود و مورد توجه آسیا و مصر قرار داشت؛ زیرا این دو محصول در معابد این دو سرزمین استفاده فراوانی داشت. هم‌چنین، مملکت سبأ دارای معادن طلا بود⁷⁷ که علاوه بر استفاده در قصرهای داخلی به مناطق دیگر صادر می‌شد. سبائیان علاوه بر راه تجارت زمینی که قسمت جنوبی راه کاروان رو که از مکه و مدینه به پترا و بیت‌المقدس می‌رسید را تحت سلطه داشتند⁷⁸ بر تجارت دریایی میان هند و مصر تسلط پیدا کردند. تورات نویسان، سرزمین سبأ را به عنوان مرکز صدور لبان می‌شناختند.⁷⁹

گسترده‌گی تجارت و رشد کشاورزی

سبائیان مصنوعات صور و محصولات شام را به سرزمین‌های خود و جاهای دیگر می‌بردند و این تجارت از طریق مبادله انجام می‌شد؛ زیرا هنوز سکه به مقدار کافی ضرب نمی‌شد و یا این که رواج نیافته بود. مهم‌ترین کالاهای مورد علاقه سبائیان حنطه زیت، شراب، کالاهای فینیقیه و آسیای شرقی، پارچه‌های کتانی، قطنیه، ارجوان، میعه، زعفران، ظرف‌های آهنی، صفر و انگشترهای نقره بود.⁸⁰ این کالاها در یمن کم بود و از هند و یا آفریقا صادر نمی‌شد، پس آنها خود بعضی از این کالاها را به جنوب منتقل می‌کردند و گروهی این کالاها را به شمال انتقال می‌دادند و مصنوعاتی هم از خلیج فارس برای آنها فرستاده می‌شد.⁸¹

دولت حمیری اول

نخستین بار که نام حمیریان در آثار باقی مانده از یمن آمده است به سال 115 پیش از میلاد باز می‌گردد. در سنگ نوشته‌های یافت شده، نام پادشاه سبأ ذوریدان آمده است و ریدان همان ظفار،⁸² پایتخت حمیریان به شمار می‌رود. این مطلب نشان دهنده قدرت سیاسی حمیریان در آن زمان است. حمیریان خویشاوند سبائیان به شمار می‌رفتند.⁸³ آنها در جنوب شرقی یمن سکونت داشتند. قرار گرفتن در نزدیکی سواحل و در راه بازرگانی میان عدن و شمال به آنان کمک کرد که بر بنادر دست یابند و زمام امور آنها را در اختیار گیرند. در نتیجه، ارتباط حمیریان با حبشیان مستحکم و عمیق گردید.⁸⁴

مورخان کشورگشایی‌های وسیعی را به پادشاهان حمیری نسبت می‌دهند و فتوحات یاسر النعم یا ناشر النعم را تا مرزهای اسپانیا، اروپا و صحرای آفریقا و فتوحات شمیریرعش را تا عراق، ایران، ترکستان تصور می‌کنند⁸⁵ که بیشتر از آن که واقعیت داشته باشد گواهی بر نفوذ قدرت نظامی حمیریان در جهان آن روز است.

باید پذیرفت که به طور قطع حمیریان در قرن اول میلادی توانستند بر سرزمین

اکسوم (حبشه) مسلط شوند. در زمان دولت حمیریان، گسترش مسیحیت در یمن آغاز شد و به صورت تدریجی به وسیله مبلغان مسیحی و به ویژه یعقوبیان که از حبشه آمده بودند و برای خود کلیساهایی در عدن، ظفار و نجران برپا داشته بودند، انتشار یافت.

آیین مسیحیت به طریقه مونوفیزیته از جانب شمال و به خصوص از شام در عربستان نفوذ کرد و مرسلین سوریه که از آزار مخالفان گریزان بودند در زمانی نامعلوم وارد یمن شدند. نخستین هیئت مسیحی که به جنوب عربستان رفت از طرف امپراتور کنستانتین در سال 356 م به ریاست تئوفیلوس اندوس اریوسی بود. اعزام این هیئت از انگیزه‌های سیاست جهانی آن روز و رقابت امپراتوری ایران و روم بر سر نفوذ در مناطق جنوبی عربستان نشأت می‌گرفت.⁸⁶

از آن زمان، امپراتوری روم و ملوک حمیر به منظور اتحاد بر ضد ایران، روابط منظم تجاری و سیاسی برقرار کردند. در واقع اهمیت تجاری منطقه تحت نفوذ دولت حمیری، روم را متمایل به کسب منافع در این سرزمین می‌کرد.

حمیریان به عنوان شاخه‌ای از دولت سبأ، وارث فرهنگی و بازرگانی معینی سبأ شدند. زراعت دولت حمیری در پرتو شاهان قدرت‌مند آن گسترش فوق العاده‌ای یافته بود و جمع آوری کندر و بخور که پیوسته جنبه تقدس دینی داشت منبع اساسی درآمد این دولت بزرگ بود.⁸⁷

ظفار، پایتخت یمن از دیر زمان به برخوردار از گوهر ناب یا عقیق، بلند آوازه بود. حمیریان در تراش دادن عقیق هنرمند بودند و پیکر جانداران، گیاهان و گل‌ها را بر آن نگارگری می‌کردند. گاهی از عقیق، گردن‌بند و گاه نگین برای انگشترهای زرین و سیمین می‌ساختند.⁸⁸

راه خشکی که یمن را به شام مرتبط می‌ساخت و از حجاز می‌گذشت، راه تجاری مهمی بود که دولت‌های قبل از دولت حمیری نیز توجه ویژه‌ای به امنیت و ارتقای کارکرد تجاری آن داشتند. در طول راه خشکی که از حجاز می‌گذشت همه جا ایستگاه‌های حمیری وجود داشت.⁸⁹

سفر کاروان‌ها از معین تا ایله یا عقبه، هفتاد روز طول می‌کشید و هرچه تقاضای سرزمین‌های آن سوی دریای مدیترانه به کالاهایی مانند پارچه، عطر و ادویه بیشتر می‌شد عرب‌های جنوب عربستان، قیمت محصولات خود مانند لادن، مر و سود تجاری واسطه‌ای خود را بالا می‌بردند و بر عوارض دریایی می‌افزودند. واحه‌های کاروان پذیر را مجهزتر کرده و نیروهای امنیتی قافله‌ها را افزایش می‌دادند. دولت‌های پترا و تدمر در این نظام بازرگانی با دولت‌های عرب جنوبی شریک بودند و دو حلقه از زنجیر این شاهراه بزرگ را تشکیل می‌دادند و از رفاهی که مولود آن بود بهره‌مند شدند اما دگرگون شدن اوضاع آغاز شده بود.⁹⁰

در روزگار حکومت بطالسه در مصر، قدرت جهانی این کشور احیا گردید و نخستین جدال با دولت‌های جنوب عربستان بر سر سیادت بر دریای سرخ آغاز شد. بطلمیوس دوم (285-246 ق. م) کانالی را که راه اتصال نیل به دریای سرخ بود، دوباره گشود. در نتیجه این اقدام، کشتی‌های تاجران مصری و رومی به آب‌های میان مصر و عربستان راه یافتند. آنها بر بندر عدن دست یافته و آن را مرکز ذخیره کشتی‌های تجاری خود قرار دادند. بدین گونه، بازرگانی حمیری فلج گردید و اوضاع اقتصادی آنها رو به کاستی گرایید و بر دولت تأثیری مخرب گذاشت.⁹¹

کالاهای خاصی که در مناطق تحت نفوذ حمیریان تولید می‌گردید طمع دولت قدرت-مند روم را بر می‌انگیخت. حمله رومی‌ها، به سرداری آلیوس گالوس (گالیوس)، حاکم رومی مصر در زمان دولت حمیری اول اتفاق افتاد. این اقدام برای دست گرفتن تجارت ادویه و عطر تدارک دیده شد اما شکست سخت و سریعی خورد. منابع علت‌های متعددی را برای این حمله که موجب خسارت‌های سنگینی برای دولت روم گردید، آورده‌اند که عبارت‌اند از: تصرف یمن، سیطره بر راه‌های تجاری تحت تسلط پادشاهان سبأ، بهره-برداری از ثروت‌های یمن و پاک‌سازی دریای احمر از وجود قراصنه (دریازنان، دزدان دریایی).

آلیوس گالیوس در حمله به کمک و پشتیبانی عباده دوم، پادشاه نبطی متکی بود.⁹²

شکست حمله آلیوس گالیوس، عامل اصلی تغییر روش سیاسی رومیان در سرزمین‌های عرب گردید. آنان پس از این شکست نظامی دریافتند که باید از فکر تصرف نظامی این سرزمین چشم‌پوشند و به استمرار سلطه خود بر تجارت دریایی بسنده کنند و با بهبود روابط سیاسی با دولت‌های عربستان جنوبی، مصالح تجاری خود را تأمین کنند.

منابع به پیمان تجاری رومیان با پادشاه حمیری که بر مناطق گسترده‌ای از سواحل سرزمین‌های عربستان جنوبی متصل به دریای احمر و ساحل اقیانوس هند تا حضرموت و ساحل عزانیا در آفریقا حکومت داشت، اشاره کرده‌اند.⁹³ در عصر حمیری اول، ضعف و فتور بر حکومت سبأ و ذی‌ریدان سرایت کرد و ابتدا بطالسه و پس از آنان رومی‌ها شروع به تصرف راه‌های تجاری دریای احمر کردند و بدین وسیله از اتکاء به بازرگانان عرب در یمن و حضرموت رهایی یافتند.⁹⁴

رفاه ساکنان یمن در زمانی که بازرگانی دریای سرخ را به خود اختصاص داده بودند پابرجا بود اما از هنگامی که دولت‌های رقیب منطقه و قدرت‌های خارجی در این راه تجاری طمع ورزیدند، اقتدار تجاری دول جنوب عربستان به کاستی گرایید و این فتور در دوره حمیری اول به صورت بارزی نمایان شد.

بندر لویکه کومه یا مدینه البیضاء در روزگار بطالسه، مهم‌ترین مرکز تجاری در سواحل حجاز بود. از طریق این بندر، کشتی‌ها به ساحل مصر می‌رسیدند تا بارهای خود را در آن‌جا تخلیه کنند. این بارها به وسیله کاروان‌های زمینی یا با کشتی‌هایی که از کانال قدیم میان دریای احمر و نیل عبور می‌کرد به داخل این سرزمین‌ها حمل می‌شد.⁹⁵

رومی‌ها پس از عدم موفقیت حمله آلیوس گالوس به یمن، صلاح را در آن دیدند که به تسلط خود بر راه تجاری دریایی و ایجاد پیوندهای دوستی با حکومت حبشه اکتفا کنند. این عمل خسارت و آسیب سنگینی بر اقتصاد یمن وارد کرد که به مراتب از شکست سد مأرب زیان‌بارتر بود.⁹⁶

دولت حمیری دوم

دشمن دیگر حمیریان، اکسوم (حبشه) بود که به جنگ با دولت حمیری پرداخت و در قرن چهارم هجری بر قلمرو حمیریان تسلط یافت. حکومت حبشه بر یمن، بیست سال طول کشید تا این که دوباره دولت حمیری برپا گردید.⁹⁷ از حدود سال 300 م لقب پادشاهی جنوب عربستان به «شاه سبا و ذوریدان و حضرموت و یمنات» تبدیل گردید و این امر، نشانه استقلال حضرموت از حمیریان است اما اندکی بعد، عبارت «و عربان ایشان در کوهستان و تهامه» بر این لقب افزوده شد. یمنات یا یمانه، سرزمین‌های ساحل جنوبی عربستان و تهامه، ساحل دریای سرخ از ناحیه غرب صنعا را شامل می‌شده است.⁹⁸

لقب پادشاهان حمیری در این دوره تبع بوده است. مؤسس این حکومت، شمیریرعش بن ناشر النعم است که مورخان، فتوحات خارق العاده‌ای را به وی نسبت می‌دهند. دوره فترتی که از زمان مرگ وی آغاز شد تا نخستین تعرض و اشغال یمن و ریدان به دست حبشیان در سال 340 م ادامه یافت به عنوان یک دوره فترت در تاریخ حمیری دانسته می‌شود.

بعد از دوره سلطه کوتاه حبشیان، پادشاهان حمیری لقب طولانی سابق را از نو به دست آوردند و موقعیت خویش را تا حدود سال 525 م حفظ کردند. در الواح اکسومی که مربوط به نیمه قرن چهارم است پادشاه حبشه گوید که وی «پادشاه اکسوم و حمیر و ریدان و حبشه و سلح تهامه» است.⁹⁹

تا این زمان، حملات حبشیان به یمن نمی‌توانست ناشی از انگیزه‌های مذهبی باشد؛ زیرا پادشاه حبشه مدت‌ها پس از این حمله، بت پرست بوده و گرایش به مسیحیت، مدت زمانی طولانی پس از این حمله بوده است.

دکتر جواد علی معتقد است در حمله حبشیان به یمن، عوامل اقتصادی اهمیت خاصی داشته است. به اعتقاد وی، حمله اول حبشیان در مقابل توسعه قدرت حمیریان بر ساحل ازانیا در قرن اول میلادی بوده و یا به قصد تنبیه حمیریانی انجام شده است که جرأت دست اندازی به تجارت حبشه را یافته بودند.¹⁰⁰

در دوره دوم حمیری، همه قدرت دولت حمیری بازنگشت و قبایل شمال، شروع به دست اندازی به قلمرو شمالی حمیری کردند که این امر بر قدرت تجاری سرزمین یمن، تأثیر مخربی داشت. خراب شدن سد مأرب برای بار دوم در نیمه قرن چهارم میلادی نیز اجازه نداد که حمیریان به احیا قدرت خود پردازند.

پس از انتشار مسیحیت در عربستان جنوبی، واقعه مهمی که در روزگار سلطنت تابعه برای مسیحیان اتفاق افتاد و منجر به قتل عامل مسیحیان گردید واقعه اصحاب اخدود است که در قرآن کریم نیز بیان شده است.¹⁰¹ مردم نجران، یکی از شهرهای یمن در زمان ذونواس به آیین مسیحیت گرویدند. این امر بر فرمانروایی یهودی مذهب حمیر ناگوار آمد و مردم را تحت فشار قرار داد تا آیین مسیحیت را ترک کنند. مردم درخواست ذونواس را نپذیرفتند و بر مسیحیت پافشاری کردند به همین جهت او، تمام کسانی را که مسیحی شده بودند به قتل رساند.¹⁰² در این میان تنها یک نفر جان سالم به در برد و به دربار بیزانس فرار کرد.

بیزانس اهداف دراز مدتی را در این منطقه جست و جو می کرد بنابراین به پادشاه حبشه دستور داد به یمن حمله کند. با شکست حمیریان، دوره تسلط احباش بر عربستان برای بار دوم آغاز شد. قتل عام مسیحیان نجران، فقط زائیده تعصب دینی ذونواس بود اما حقیقت این است که این حادثه را باید زائیده واکنش ذونواس در مقابل هدف‌های سلطه طلبانه رومیان و متحدان حبشی آنان دانست.¹⁰³

غلبه حبشیان بر یمن که با حمله اریاط در سال 525 م آغاز شد، علاوه بر محو استقلال سیاسی جنوب عربستان، ضربه مهلکی را بر حیات اقتصادی منطقه جنوب وارد کرد. جانشینی ابرهه، یکی از فرماندهان سپاه اریاط به جای او، آغاز دوره بسط نفوذ حبشی‌ها به سایر نقاط عربستان بود.¹⁰⁴

تصرف جنوب عربستان به دست حبشی‌ها، ضربه سیاسی و اقتصادی مهمی بر حمیریان وارد کرد. آیین مسیحیت، حبشه را تا حد زیادی به روم نزدیک ساخته بود اما برخلاف عقیده منابع عربی که رومیان را درصدد خون‌خواهی شهدای مسیحی یمن می -

دانند، هدف روم مذهبی نبود. در حقیقت بیزانس برای سلطه بر راه‌های تجاری منتهی به اقیانوس هند می‌کوشید و به دنبال آن درصدد بسط نفوذ سیاسی خود در میان اعراب برای مقابله با دشمنان ایرانی خود بود. حبشه نیز می‌خواست حمیریان را که متعرض کاروان‌های تجاری در دریای احمر می‌شدند تنبیه کند. این واقعیت بود که حبشه (اکسوم) و روم را در حمله به یمن متحد ساخت. حبشیان تا سال 628 م در یمن حکومت کردند¹⁰⁵ و در این سال سیف بن ذی یزن حمیری با کمک و یاری امپراتوری ساسانی توانست قدرت را در یمن به دست آورد و حبشیان را شکست دهد. البته ایرانیان نیز به دلیل اهمیت اقتصادی یمن، حاضر به همکاری شده بودند و چشم طمع به منافع اقتصادی و موقعیت تجاری یمن داشتند.

سقوط تجارت یمن

اولین اصطکاک خارجی که منجر به ظهور خطری جدی برای منافع دولت یمن شد از سوی آشوری‌ها وارد گردید. آنها با حملات سهمگین به شمال غربی عربستان به راه تجاری اصلی یمنی‌ها که مدار ثروت آنها به حساب می‌آمد ضربه زدند اما این خطر و خطر دولت هخامنشی دوامی نداشت.¹⁰⁶

ضربه‌های متعددی در پنج مرحله منجر به سقوط قدرت تجاری عربستان جنوبی گردید. اولین ضربه که تجارت جنوب عربستان را تحت تأثیر قرار داد، حضور و فعالیت بطلمیوسی‌های مصر بود. به دستور بطلمیوس دوم، کانال اتصالی نیل به دریای سرخ گشوده شد و تاجران از این زمان به بعد به آب‌های دریایی که مصر و عربستان را از یک-دیگر جدا می‌کرد، راه یافتند. این حضور دریایی از اهمیت راه خشکی عربستان که از جنوب تا شمال را در بر می‌گرفت، کاست و زیان‌های جبران ناپذیری را بر اقتصاد تجاری عربستان به خصوص جنوب وارد کرد.

با توجه به سلطه اعراب بر راه دریایی جنوب عربستان تا هندوستان، دو راه خشکی و دریا در انحصار آنها بود و کالاهای هند و جنوب عربستان در اقتدار اعراب جنوب بود که

جا به جا می‌گردید و به خارج از عربستان و مصر و شام فرستاده می‌شد. دومین ضربه بر اقتصاد جنوب از سوی رومیان وارد شد. رومیان، آلیوس گالوس را فرستادند تا بر عمده‌ترین مراکز تجارت در شمال، به عنوان دیگر منبع و مرکز عمده تجارت دست یابند.¹⁰⁷

آن زمان که دولت روم به عنوان دولت استعمارگر باستانی همه آسیای غربی، آفریقای شمالی، دریای سرخ، اقیانوس هند از مشرق و همه اروپا را تا اقیانوس اطلس از مغرب در نقشه جهان گشایی خود قرار داده بود و آسیای صغیر و شمال شام را متصرف شد. فلسطین را در اواسط قرن اول قبل از میلاد تصرف کرد، ولایت‌های شمالی عربستان و سرزمین نبطی‌ها را در محدوده نفوذی خود وارد ساخت و در نیمه دوم قرن اول پیش از میلاد بر مصر دست یافت، موقعیت سیاسی عربستان دگرگون شد.

بر اثر فتوحات، قلمروی دولت روم به تدریج در هر دو ساحل غربی و شرقی بحر احمر پیش رفت و مخرج عمده تجارت بخور؛ یعنی مصر و سوریه را مالک گردید و به خیال تصرف منبع آن افتاده حتی خواست تجارت هند را که بیشتر به واسطه ایران انجام می‌شد و یا از راه هرمز به جنوب عربستان می‌رفت و از آنجا به سوریه می‌رسید به دست خود گیرد و حتی در صورت امکان، بندری برای کشتی‌های خود در عدن و باب‌المنندب تأسیس کند.¹⁰⁸

مجاورت روم با حبشه و عربستان و از طرف دیگر سودان، این دولت را هرچه بیشتر به دریای سرخ نزدیک‌تر و علاقه‌مند ساخت. پس برای تسخیر راه تجاری هند و آفریقای شرقی و نیز دستیابی به محصولات ارزشمند یمن، لشکری را به عربستان جنوبی فرستاد. آلیوس گالوس، این لشکر را فرماندهی می‌کرد که پیروز نشد.¹⁰⁹

پس از شکست آلیوس گالوس، سومین ضربه از طرف رومیان بر سرزمین جنوب عربستان وارد شد و آن افتتاح راه جدید دریایی بود. رومیان تلاش کردند کشتی‌رانی مستقیم را برقرار کنند و راه دریایی مصر و هندوستان را از طریق دریای سرخ با استفاده از کشف بادهای موافق جنوب غربی بیمایند. به این صورت، رفت و آمد کشتی‌ها میان بنادر باب‌المنندب و بندر مصری میوس‌هورموس در ساحل غربی دریای سرخ میسر شد. این-گونه روم می‌توانست راه تجارت خشکی و دریایی جنوب عربستان را از رونق بیندازد.¹¹⁰

بعد از این اقدام، منبع عمده درآمد جنوب به عنوان واسطه تجاری از اهمیت افتاد و رو به ضعف و سستی فوق‌العاده‌ای نهاد و دوره افول تمدن‌های جنوب عربستان آغاز گردید. اما با وجود انحطاط تجاری جنوب و افتتاح راه دریایی جدیدی که جنوب عربستان در آن دیگر نقش نداشت، اقتصاد زراعی جنوب عربستان هنوز فعال بود. با شکستن سد مأرب در نیمه قرن چهارم میلادی، یعنی سال 447 برای بار دوم، انحطاط اقتصاد زراعی عربستان جنوبی آغاز شد. در واقع چهارمین ضربه مهلک بر سیاست، اقتصاد و تمدن جنوب، خرابی دوباره سد مأرب بود.¹¹¹ سرانجام ضربه نهایی بر اقتدار یمن از سوی دولت اکسوم وارد گردید. این ضربه در طی دو حمله در سال‌های 523 م و 525 م وارد شد که آن قدر این ضربه شدید بود که یمن دیگر نتوانست قد راست کند.

آثار یمنی در خارج از عربستان جنوبی

تا اواسط قرن گذشته، شناخت کمی درباره اعراب جنوبی وجود داشت و منحصر به اشاره‌هایی در عهد عتیق و بعضی آثار مصری، بابلی و آشوری، بخش‌هایی از نوشته‌های مورخان و جغرافی‌دانان یونان و روم و نوشته‌های اعراب بعد از اسلام بود. تاریخ اعراب جنوبی در ابهام قرار داشت تا این که مورخان به خواندن نقوش پراکنده در معابد، ستون‌ها و سنگ‌ها پرداختند.¹¹² کتیبه‌های به دست آمده به خط مسند، خط قدیم سامیان بود. دانشمندان پس از تلاش فراوان، خط مسندی را خواندند که لغات سامی بین حبشی و عربی شمالی را در برداشت و به دو لهجه اصلی معینی و سبائی تقسیم می‌شد. از طریق این کتیبه‌ها بود که محققان توانستند ابعاد گوناگون تمدن اعراب جنوبی را از قبیل ادیان، خدایان، نظام‌های حکومتی، دولت‌ها و پادشاهان شناسایی کنند.¹¹³

در الواح معینی خارج از سرزمین یمن که به خصوص در شهر العلا (دیدن) کشف شده

است، اسم‌های معینی معروف خوانده شده است. کشف این سنگ نوشته‌ها نشان می‌دهد اسامی الهه‌های مورد پرستش معینان در میان ساکنان سرزمین‌های شمالی رایج بوده است. معینیانی که انگیزه‌های تجاری و سیاسی در شهرها و واحدهای تجاری شمال شبه جزیره عربستان ساکن شدند واسطه انتقال فرهنگ و تمدن یمن به سرزمین‌های شمالی و یا بالعکس هستند. مردمان معینی ساکن شمال، مردمانی تاجر پیشه بودند که تجارت با سرزمین شام، مصر و مردمان ساکن سواحل دریای متوسط (مدیترانه) را برعهده داشتند.¹¹⁴

الواح مسندی که زبان نوشتاری معینان بوده است در جزیره دیلوس از جزایر یونان، در الجزیره مصر و در مکانی به نام قصر نبات یافت شده است. الواح الجزیره در قرن سوم ق. م به حکم بطلمیوس پسر بطلمیوس ایجاد شده است و درباره افراد معینی که از یمن جلای وطن کرده و در مصر آن زمان سکونت داشته‌اند مطالبی را آورده است.¹¹⁵ در دوره حکومت بطلمیوس دوم در قرن سوم ق. م، تاجران یمنی در مصر سکونت داشتند و معینان در این زمان، سلاطین تجارت زمینی و دریایی بودند و با تجهیز معابد مصر با بخور و لبان، سود تجاری فراوانی به دست می‌آوردند.

شهرالعلاء که با نام‌های متفاوتی از جمله [دیدان - الدیدان و در تورات ulat(علت)] آمده است از مراکز معینی است که آثار فراوانی از آن به دست آمده است. «در تورات از دیدانیون به نام ملتی نام برده می‌شود که محصولات آنها به صور می‌رسیده است».¹¹⁶ قبل از تشکیل دولت معین که از 1300 ق. م تا 630 ق. م حکومت می‌کردند¹¹⁷ در جنوب عربستان نیز، مانند دیگر نقاط جهان، حقوق مستخدمان، کارگران، کشاورزان و موظفان معابد به صورت کالا پرداخت می‌شد. مبادله در این دوران تا زمانی که سکه ساخته شد و حکومت‌ها ضرب سکه را برعهده گرفتند به صورت کالا به کالا بود.

سکه‌های شناخته شده در یمن و دیگر نواحی شبه جزیره و خارج از آن که با یمن ارتباط تجاری داشته‌اند، نشان می‌دهد که سکه‌های معینی به قطعه‌هایی که شاید شبیه دراخما یا درهم بود تقسیم می‌گردید. شلومبرژه، مورخ فرانسوی تعدادی از سکه‌های

مربوط به قرن سوم یا دوم پیش از میلاد را از برخی از اعراب خریداری کرد. پیش از آن در موزه‌های اروپا، تنها سه عدد از این سکه‌ها موجود بود. این سکه‌های تقلیدی از سکه‌های قدیمی «آنیک» متعلق به قرن چهارم پیش از میلاد است که در آن دوران، سلاطین سکه‌هایی از جنس طلا، نقره یا مس ضرب می‌کردند. تصویری که بر روی این سکه‌ها ضرب می‌شد، نشان دهنده تأثیر و تأثر فرهنگی بود که جریان تجارت به دنبال خود آورده بود. در یکی از این سکه‌ها، بر یک روی سکه، نیم‌رخ از شاه نقش شده است که تاجی بر سر دارد و موی بافته اش ما را به یاد گیسوان سلاطین راعیه مصر¹¹⁸ می‌اندازد.¹¹⁹ بر روی دیگر سکه، تصویر جغد - نشان آتن - دیده می‌شود.

به طور کلی می‌توان دریافت که طرز ساختن سکه‌های یونانی؛ یعنی سکه‌هایی که میان ملت‌های ساکن سواحل دریای مدیترانه رواج داشت و با اعراب جنوبی روابط تجاری داشتند، کاملاً اقتباس شده بود.¹²⁰ مردمان سرزمین جنوب عربستان از قرن چهارم پیش از میلاد به سرمشق‌های آتنی دلبستگی داشتند و تمدن آنها در اعراب تأثیر فراوانی داشت.¹²¹ همان‌گونه که فرهنگ و تمدن مصر نیز در اعراب جنوبی تأثیر گذاشته بود.¹²² دکتر جواد علی، سکه‌های معینی را این‌گونه تصویر می‌کند:

تقود معینی که در سرزمین آنها ضرب می‌گردید به قطعه‌هایی تقسیم شد که دراخما یا درهم بود. بر روی آن تصویر، پادشاهی نشسته بر تخت بود که پایش بر عتبه قرار داشت که ریش چانه‌اش تراشیده شده و موهایش بافته شده بود. با دست راست، گل یا پرنده‌ای را و با دست چپ، عصایی بلند را گرفته و بر پشت سکه، نام پادشاه به خط مسندی و با حروف واضح ضرب شده است. این نام «لأب یثع» است و مقابله حروف اول از اسمش و آن حرف (أ) به خط مسندی نقش شده است. این روش نشان دهنده این بود که امرکننده به ضرب آن سکه چه کسی بوده است.¹²³

کشف سکه‌ها در تاریخ اقتصادی سرزمین‌های عرب و در روشن شدن روابط تجاری بین جزیره العرب و سرزمین‌های خارج از آن بسیار اهمیت دارد. از بررسی سکه‌های یافت شده ساخت یمن، می‌توان دریافت که ساخت این سکه‌ها تقلیدی از نقود و سکه‌های جانشینان اسکندر بوده است و حتی شیوه نوشتاری نام پادشاه که به حروف مسند نوشته شده است، تقلیدی از شیوه نوشتاری یونانی بوده است. قالب سکه‌ها نیز از سکه‌های یونانی تقلید شده است. ارزش و اهمیت سکه‌های جانشینان اسکندر فراوان بود همان‌گونه که سکه‌های معینی ضرب شده در قرن سوم و دوم پیش از میلاد نیز، ارزش خاصی در مبادلات تجاری آن روز پیدا کرد.

این سکه‌ها در داخل سرزمین‌های عرب به وسیله تجار مبادله می‌گردید و برای خرید و فروش کالاهای تجاری در سرزمین‌های خارج عربستان نیز، سکه‌های آب یثع دارای اهمیت خاصی بود. همان‌گونه که سکه‌های ساخت اسکندر بر سکه‌های قدیم یونان پیشی گرفت، سکه «اب یثع» نیز ارزش بیشتری نسبت به سکه‌های قبل از خود یافت. حروف واضح و آشکار آن، نشان دهنده مهارت و درایت افرادی است که در آن زمان در یمن، سکه ضرب می‌کردند.¹²⁴

نتیجه

شرایط طبیعی، عربستان را به دو بخش بزرگ تقسیم می‌کند که بیابان‌های وسیع، آن دو را از هم جدا کرده و زندگانی در هریک با دیگری متفاوت است. یمن به دلیل وجود آب کافی و نزدیکی به سواحل دریای سرخ و اقیانوس هند، عربستان خوشبخت نام گرفت. در تابستان، باران‌های فراوانی که به وسیله بادهای موسمی از شرق آفریقا به این سو کشانیده می‌شود بر این سرزمین می‌بارد. در گذشته، این باران‌ها موجب رونق این سرزمین می‌شد و مردمان یمن با کمک سدهای معروفی که تاکنون آثار آنها باقی مانده است، آب-های سطح زمین را مهار کرده و برای رونق کشاورزی به کار می‌گرفتند. محصولات یمن در مصر زمان فراعنه، بازار پر رونقی داشت. مصریان چوب درخت بان

یمن و سومالی را به همراه بخور در معابد خود به کار می‌بردند و از آنها برای حنوط مردگان استفاده می‌کردند. بخور نیز در معابد، آیین‌های مذهبی، مومیایی کردن و در انواع غذاها استفاده می‌شد. هم‌چنین، بانوان از انواع عطرهای یمنی استفاده می‌کردند.

سرزمین یمن به داشتن صنعت پوست و چرم و رنگ آمیزی آنها شهرت داشت. اشتغال به این کار به طور عمده در صنعا، نجران، جرش، صعده و زبید صورت می‌گرفت. صنعت منسوجات، یکی از صنایع مهم یمن بود و مشهورترین پارچه های یمن، برد یمانی و پارچه سعیدیه است که در صنعا و عدن بافته می‌شد. در یمن معادن فراوان طلا، نقره، مس، سرب و سنگ‌های قیمتی مانند عقیق، جزع، یاقوت، باور، زمرد، زبرجد، وجود داشت.

یمن علاوه بر این که مرکز تولید کالاهای پرتقاضا و کم‌یاب بود به علت موقعیت جغرافیایی، نقش واسطه‌گری پرسودی را برعهده داشت. از قدیمی‌ترین دوران‌های تاریخ، میان آنها و هند وابستگی‌های تجاری وجود داشت که زمان آغاز آن شناخته شده نیست. هندی‌ها، محصول‌ها و مصنوعات‌هایی داشتند که مصری‌ها، آشوری‌ها و فینیقی‌ها به آن نیاز داشتند و یمنی‌ها این کالاهای تجاری را به وسیله کشتی‌های دریایی یا قافله‌های بیابانی به سوی آنها منتقل می‌کردند.

بین ساحل یمن نیاز بود راه‌های دریایی رسم شود و کالاها به وسیله کشتی از هند یا فرات یا نیل مبادله می‌شدند. امروزه نیز کشتی‌ها در سفر بین اروپا و هند، این راه دریایی را از عدن طی می‌کنند. جزیره سقطری بر سر راه کشتی‌هایی بود که از عدن حرکت می‌کردند. هندی‌ها و آفریقایی‌ها، کالاهای تجاری خود را به یمن می‌بردند و یمنی‌ها این کالاها را به مصر، شام و عراق حمل می‌کردند.

برای تجارت با مصر، هم راه خشکی که از مسیر بیابان می‌گذشت، وجود داشت و هم راه دریایی که از شام و یا از بنادر یمن آغاز می‌شد. گاهی تاجران برای فرار از خطرهای موجود در دریای سرخ، خلیج فارس و اقیانوس هند، راه بیابان را ترجیح می‌دادند.

اقیانوس هند واسطه تجاری بین بسیاری از مردمان سرزمین‌های اطراف آن بود و از

گذشته فینیقی‌ها در دریای مدیترانه، واسطه تجاری کالاهایی بودند که از اقیانوس هند به سوی سرزمینشان روانه می‌شد. کالاهای تجاری هند و سرزمین‌های اطراف آن از طریق قافله‌ها به صور، غزه و سواحل دریای مدیترانه می‌رسید و از طریق تجار دریایی فینیقیه به سواحل آن سوی دریای مدیترانه فرستاده می‌شد.

تجارت یمن، علاوه بر آن که به علت موقعیت طبیعی و وجود محصولات خاص که بسیار مورد توجه مردمان دیگر مناطق بود گسترش یافت. به سبب ورود تولیدات سرزمین‌های دیگر مانند هند و چین که با یمن وابستگی‌های تجاری خاص داشتند پررونق گردید. سواحل آفریقا و حبشه که زمانی به عنوان مستعمره‌های دولت‌های قدرت‌مند یمن محسوب می‌شدند کالاهای خود را به یمن می‌آوردند. کالاهای هندی نیز که به سواحل آفریقا می‌رسید از طریق مستعمره‌های یمن وارد این سرزمین می‌شد و از آن جا راهی مناطق غربی می‌گردید.

دولت‌های یمن برای تأمین امنیت کاروان‌های تجاری به ساخت و آباد کردن شهرهای تجاری در مسیر یمن تا شام پرداختند و ساخلونشین ایجاد کردند. گسترش نفوذ معینیان در شمال به تماس و ارتباط آنان با آشور، بابل، فینیقیه و مصر منجر گردید. فرمانروایان آشوری در سوریه برای منفعت بردن از راه تجاری اصلی با معینیان که در این آبادی‌ها اقامت داشتند شریک می‌شدند. مستعمره‌های تجاری، سیاسی و نظامی به تدریج تحت تأثیر خصوصیت‌های عرب‌های شمالی قرار گرفتند و اولین گروه‌هایی بودند که فرهنگ و تمدن جنوب را به سرزمین‌های شمال شبه جزیره منتقل کردند.

دولت‌های برجسته تجاری یمن شامل دولت‌های معین، سبأ و حمیری اول و دوم هستند. امپراتوری روم با ملوک حمیر برای اتحاد بر ضد ایران روابط منظم تجاری و سیاسی برقرار کرد. در واقع اهمیت تجاری منطقه تحت نفوذ دولت حمیری، روم را متمایل به کسب منافع در این سرزمین می‌کرد.

حمیریان به عنوان شاخه‌ای از دولت سبأ وارث فرهنگ و بازرگانی معین و سبأ شدند. زراعت دولت حمیری در زمان شاهان قدرت‌مند، گسترش فوق‌العاده‌ای یافت و جمع

آوری کند و بخور که پیوسته جنبه تقدس دینی داشت، منبع اساسی درآمد این دولت بزرگ بود.

زمانی که ساکنان یمن، بازرگانی دریای سرخ را به خود اختصاص داده بودند در رفاه به سر می‌بردند اما از هنگامی که دولت‌های رقیب منطقه و قدرت‌های خارجی کوشیدند این راه تجاری را در اختیار بگیرند، اقتدار تجاری دولت‌های جنوب عربستان به کاستی گرایید و این فتور در دوره حمیری اول به صورت بارزی نمایان شد.

دشمن دیگر حمیریان، اکسوم (حبشه) بود که به جنگ با دولت حمیری پرداخت و در قرن چهارم میلادی بر قلمرو حمیریان تسلط یافت. حکومت حبشه بر یمن، بیست سال طول کشید تا این که دوباره دولت حمیری برپا گردید. بار دوم حبشیان با حمایت روم در سال 523 م و 525 م به یمن هجوم بردند و این بار دولت حمیری دوم را به انقراض کشاندند. غلبه حبشیان بر یمن، علاوه بر محو استقلال سیاسی جنوب عربستان، ضربه مهلکی را بر حیات اقتصادی منطقه جنوب وارد کرد. جانشینی ابرهه، یکی از فرماندهان سپاه ارباط به جای او، آغاز دوره بسط نفوذ حبشی‌ها به سایر نقاط عربستان بود.

پی‌نوشت‌ها

1. صالح احمد العلی، عرب کهن در آستانه بعثت، ترجمه هادی انصاری، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1384، ص 31.
2. یاقوت حموی، معجم البلدان، بیروت: دارالصادر، 1995، ج 3، ص 227.
3. یعقوب همدانی یمنی، صفة جزيرة العرب، تحقیق محمدعلی الاکوع، بی‌جا: آفاق عربیه، بی‌تا، ص 93.
4. همان، ص 94.
5. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، تهران: شرکت مولفان و مترجمان، 1361، ص 137.
6. عبدالعزیز سالم، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدری‌نیا، تهران: علمی فرهنگی، 1386، ص 66.
7. قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، تهران: امیرکبیر، 1373.
8. عبدالعزیز سالم، پیشین، ص 66.
9. فیلیپ حتی، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تبریز: حقیقت، 1344، ج 1، ص 46.
10. دریای احمر جنوبی.
11. شحراکنون در ساحل بخور به مهر هو ظفار گفته می‌شود. عبدالعزیز سالم، همان، ص 66.
12. همان.
13. صالح احمد العلی، پیشین، ص 31-32.
14. فیلیپ حتی، پیشین، ص 60.

15. همان، ص 58.
16. همان، ص 60.
17. عبدالعزيز سالم، پیشین، ص 67.
18. عدنان ترسیسی، بلاد سبأ و حضارات العرب الاولى، بیروت: دارالفکر المعاصر، 1990 م، ص 50.
19. ابن خرداذبه، المسالك و الممالک، بی‌نا، بی‌جا: بی‌تا، ص 133.
20. مقدسی، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ج 1، ص 138.
21. همان.
22. مقدسی، پیشین، ص 138-139.
23. عبدالعزيز سالم، پیشین، ص 69-70.
24. محمدبن علی الاکوع الهوالی، الیمن الخضر مهد الحضاره، چاپ دوم، بی‌جا: مکتبه الخلیل الجدید، 1982 م، ص 239.
25. عبدالعزيز سالم، پیشین، ص 68.
26. فیلیپ حتی، پیشین، ص 57.
27. اسحاق بن حسین، آکام المرجان فی ذکر المدائن، المشهوره فی کل مکان، بیروت: عالم الکتب، 1408، ص 5.
28. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: اساطیر، بی‌تا، ج 2، ص 947.
29. ابن رسته، الاعلاق النقیسه، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، بی‌تا، ج 7، ص 109.
30. ابن فقیه، البلدان، بیروت: عالم الکتب، 1416 ق، ص 98.
31. همان، ص 93.
32. همان، ص 94؛ اصطخری، مسالک الممالک، لیدن:
- دارالصادر، بی‌تا، ص 25.
33. ابن فقیه، همان.

34. همان، ص 98، ابن حوقل، *صورة الارض*، بیروت:
- دارالصادر، 1938 م، ج 1، ص 40.
35. جرجی زیدان، *مؤلفات جرجی زیدان الكاملة*، بیروت:
- دارالتحلیل، 1982 م، ج 10، ص 195.
36. حافظ ابرو، *جغرافیای حافظ ابرو*، تهران: میراث مکتوب،
- 1375، ج 1، ص 228.
37. مجهول المؤلف، *حدود العالم من المشرق الى المغرب*، قاهره:
- دارالثقافیه، 1423، ص 172.
38. عبدالعزیز سالم، *پیشین*، ص 69.
39. فیلیپ حتی، *پیشین*، ص 61.
40. عدنان ترسیسی، *پیشین*، ص 50.
41. جرجی زیدان، *پیشین*، ص 220.
42. همان.
43. یاقوت حموی، *پیشین*.
44. جرجی زیدان، *پیشین*، ص 217.
45. همان، ص 218.
46. همان، ص 219.
47. همان، ص 220.
48. همان، ص 221.
49. همان.
50. همان.
51. فیلیپ حتی، *پیشین*، ج 1، ص 74.
52. گوستاو لوبون، *تاریخ تمدن اسلام و عرب*، ترجمه سیدهاشم
- حسینی، چاپ سوم، تهران: اسلامیه، 1358، ص 40.

53. عباس خلیلی، *پرتواسلام*، تهران: اقبال، 1358، ج 1، ص 27.
54. حسن تقی زاده، *تاریخ عربستان قوم عرب*، به کوشش عزیزالله علی زاده، تهران: فردوس، 1379، ص 40-41.
55. محمدبن علی الاکوع الحوالی، *الیمن الخضراء مهد الحضارة*، چاپ دوم، بیجا، مکتبه الجلیل الحدید، 1982 م، ص 240.
56. همان، ص 241.
57. همان.
58. مقدسی، پیشین، ص 137.
59. فیلیپ حتی، پیشین، ص 56-57.
60. حسن تقی زاده، *از پرویز تا چنگیز*، به کوشش عزیزالله علیزاده، مشهد: فردوس، 1379، ص 33.
61. زریاب خویی، *بزآورد*، تهران: علمی فرهنگی، 1368، ص 236.
62. سید حسن تقی زاده، پیشین، ص 42.
63. صالح احمد العلی، پیشین، ص 33.
64. همان.
65. همان.
66. ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: انقلاب اسلامی، 1367، ج 1، ص 341.
67. شوقی ضعیف، *العصر الجاهلی*، ترجمه علیرضا ذکاوتی، قراگزلو، بیجا: بی نا، بی تا، ص 34.
68. ویل دورانت، پیشین، ص 76-77.
69. شوقی ضعیف، پیشین، ص 34، 36، 37.
70. سید حسن تقی زاده، پیشین، ص 42.

71. اصغر منتظرالقائم، *تاریخ اسلام*، چاپ سوم، تهران: سمت، 1386، ص 32.
72. شوقی، ضعیف، *پیشین*، ص 35.
73. محمود طباطبایی اردکانی، *تاریخ تحلیلی اسلام*، تهران: اساطیر، 1368، ج 1، ص 50.
74. ابن خردادبه، *پیشین*، ص 137.
75. عبدالعزیز سالم، *پیشین*، ص 82.
76. ویل دورانت، *تاریخ تمدن: عصر ایمان*، تهران: اقبال، 1343، ج 11، ص 3.
77. اسحاق بن حسین، *پیشین*، ص 51.
78. ویل دورانت، *پیشین*.
79. غلامحسین زرگری‌نژاد، *تاریخ صدر اسلام*، چاپ دوم، تهران: سمت، 1383، ص 35.
80. جرجی زیدان، *پیشین*، ص 219.
81. همان.
82. شهر ظفار که اکنون در ساحل جنوب غربی یمن در حدود عرض شمالی 13-14 درجه و 43 درجه طول شرقی از گرینویچ واقع است غیر از ظفاری است که شهری قدیمی بر ساحل اقیانوس هند بوده و ظاهراً مرکز حبشیان قدیم یمن بوده است و در حدود 17 درجه عرض شمالی و 54 درجه و 25 دقیقه طول شرقی قرار دارد. سید حسن تقی‌زاده، *پیشین*، ص 108.
83. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه ابراهیم آیتی، چاپ ششم، تهران: علمی و فرهنگی، 1371، ج 1، ص 237.
84. صالح احمد العلی، *پیشین*، ص 43.
85. ابن خلدون، *تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1363، ج 1، ص 52.
86. فیلیپ حتی، *پیشین*، ج 1، ص 78.
87. همان، ص 71.

88. جواد علی، پیشین، ج 2، ص 384.
89. سبأ (34) آیه های 17، 18.
90. فیلیپ حتی، پیشین، ص 74-75.
91. شوقی ضعیف، پیشین، ص 35.
92. عبدالعزیز سالم، پیشین، ص 86.
93. همان، ص 87.
94. فیلیپ حتی، پیشین، ص 74-75.
95. جواد علی، پیشین، ج 2، ص 378.
96. عبدالعزیز سالم، پیشین، ص 88.
97. شوقی ضعیف، پیشین.
98. فیلیپ حتی، پیشین، ص 76.
99. سع زغلول عبدالحمید، فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دارالنهضة العربیه، ص 195؛ همان.
100. جواد علی، پیشین، ج 3، ص 149.
101. بروج (85) آیه 4.
102. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی، 1374، ج 1، ص 340.
103. غلامحسین زرگری نژاد، پیشین، ص 36.
104. همان.
105. شوقی ضعیف، پیشین، ص 36.
106. سید حسن تقی زاده، پیشین، ص 92.
107. غلامحسین زرگری نژاد، پیشین، ص 37.

108. تقی زاده، پیشین، ص 94.
109. همان.
110. غلامحسین زرگری نژاد، پیشین، ص 37-38.
111. سعد زغلول عبدالحمید، ص 195.
112. سید حسن تقی زاده، پیشین، ص 44-45.
113. شوقی ضعیف، پیشین، ص 34.
114. جواد علی، پیشین، ج 2، ص 119.
115. همان، ص 120.
116. همان.
117. سعد زغلول عبدالحمید، پیشین، ص 182.
118. سلاطین «راعیه» مصر از جزیره العرب به مصر
تاختند و زمانی دراز در آنجا سلطنت کردند. بعضی
از مجسمه های آنها را کشف شده و در موزه «بولاق» به
نمایش گذاشته شده اند. ن. ک: محمود طباطبایی
اردکانی، پیشین، ص 16.
119. همان.
120. همان، ص 16-17.
121. همان، ص 17.
122. گوستاو لوبون، تمدن اسلام (عرب)، ترجمه محمدتقی
فخر داعی گیلانی، تهران: مجلس، بی تا، ص 97.
123. جواد علی، پیشین، ص 112.
124. همان، ص 113.
